

اشاره:

فراز و نشیب‌های نرخ ارز برای فعالان اقتصادی را مانند سم مهلکی می‌داند و معتقد است: «مشتریان در مورد خرید مواد اولیه دو ماه آینده خود با ما مذاکره می‌کنند و ما به‌عنوان فروشنده ملزم به ارائه پیشنهاد قیمت هستیم ولی در فضایی که چشم‌انداز روشن و قابل اطمینانی نسبت به نرخ دلار وجود ندارد؛ عملاً کاری از پیش نمی‌رود.»

مدیرعامل دیبا نسج با اعلام این مطلب که بزرگ‌ترین مشکل فعالان اقتصادی، نرخ دلار نیست بلکه ابهاماتی است که نسبت به حوزه کاری‌شان حتی در بازه کوتاه یک تا دو ماهه دارند؛ اذعان می‌دارد: «متأسفانه سال ۱۴۰۰ سالی همراه با ابهام و عدم ثبات در حوزه‌های اقتصادی بود که همچنان نیز ادامه دارد.»

به گفته رضایی، «آسمان در تمام صنایع همین رنگ است! اما صنعت نساجی پرتوان و با انگیزه به حیات خود ادامه می‌دهد؛ به طوری که اغلب مشتریان نسبت به ۱۰-۵ سال پیش حجم کارخانه‌های خود را سه برابر کرده‌اند، به نوسازی و بازسازی خطوط تولید پرداخته‌اند، تعداد نیروهای انسانی آنها بیشتر شده است، اینها شعار نیست چون از نزدیک شاهد زحمات فراوان و تلاشی و پشتکار مستمر مدیران بخش خصوصی نساجی هستیم.»



آسمان در تمام صنایع همین رنگ است!

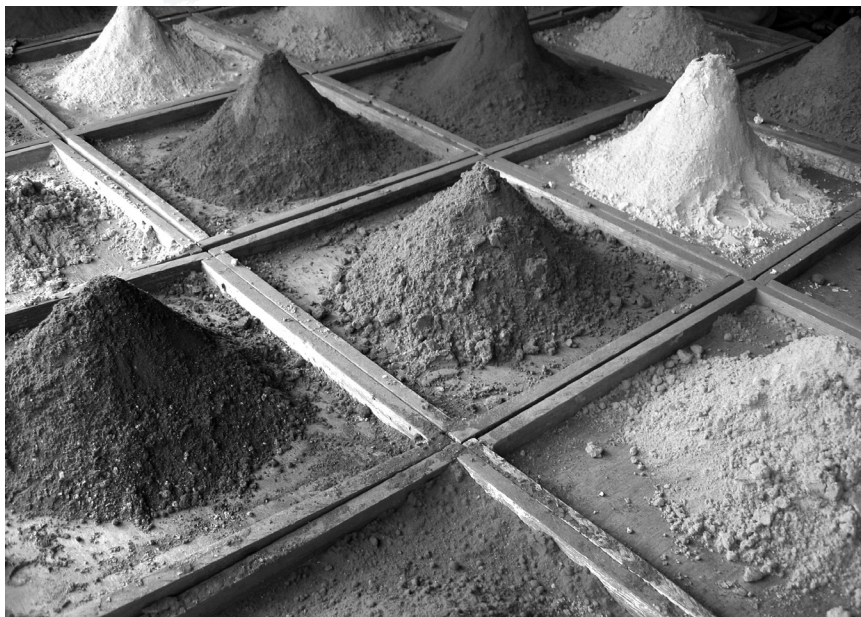
۴ سال ۱۴۰۰ برای صنعتگران و فعالان حوزه رنگ و مواد شیمیایی صنایع نساجی چگونه سپری شد؟

واقعیت این است که در نیمه نخست سال با یکسری مشکلات و در نیمه دوم هم با معضلات دیگری دست و پنجه نرم کردیم. به طور کلی عملکرد دیبا نسج را در سال ۱۴۰۰ رضایت‌بخش می‌دانم و شاید تراز مالی شرکت برابر با میانگین تراز چند سال اخیر باشد و شاهد افت یا پیشرفت محسوسی نبودیم اما در مقایسه با سال ۱۳۹۹، شرایط به مراتب دشوارتر بود که بخشی از این امر را به دلیل تغییر ریاست جمهوری و انتقال قدرت و بخش دیگر را مربوط به رویکرد دولت جدید نسبت به مذاکرات برجام می‌دانم زیرا به‌رحال (درست یا نادرست، خواسته یا ناخواسته) بخش عمده‌ای از اقتصاد کشور با مسائل سیاسی گره خورده است. در حال حاضر شاهد روند نزولی نرخ دلار هستیم و همین عامل باعث شده تقاضا در کمترین حالت خود قرار گیرد؛ به طوری که از آبان امسال، عمده‌فروشان و بانکداران بازار، کسب و کار خود را بر پایه حداقل‌ها متمرکز کرده‌اند و به نظر می‌رسد در کف تقاضا قرار داریم و کمترین گردش کاری را طی ۳-۴ سال گذشته از آبان امسال تجربه کرده‌ایم.

نکته دیگر کاهش شدید نقدینگی است و طبق تازه‌ترین آمار بانک مرکزی، چک‌های برگشتی از لحاظ مبلغ و درصد در حال افزایش است؛ تمام این موارد نشانه‌هایی برای فعالان صنعتی و اقتصادی حوزه‌های مختلف از جمله صنعت نساجی است تا بتوانند ارزیابی صحیحی از عملکرد خود داشته باشند ولی در مجموع معتقدم شرایط مذکور احتمالاً تا ۳-۴ ماه ابتدای سال ۱۴۰۱ به طول انجامد. به خصوص در بعضی از بخش‌ها مانند پوشاک که حالت فصلی دارد و از آبان و آذرماه، صنعتگران باید تولید محصولات بهاره را شروع کنند تا تولیدات خود را بلافاصله در فروردین و اردیبهشت روانه بازار مصرف نمایند. اما بعید می‌دانم چنین اتفاق رخ دهند چون اغلب آنان نتوانستند مطالبات خود را از بازار دریافت کنند تا به سرمایه‌گذاری جدید منتهی گردد.

در بخش برون‌سازمانی صنعت، طی شش ماه دوم





کلمه در داخل تولید نمی‌شوند و کاملاً به کشورهای خارجی وابسته هستیم. کمتر از ۱۰ درصد حوزه فعالیت دیانسیج به مواد شیمیایی نساجی اختصاص دارد البته تصمیم داشتیم به رشد و گسترش این بخش بپردازیم؛ اما به دلایلی روند حرکت را کند کردیم.

چون به اندازه تأمین رنگ نساجی سودآور نیست؟

خیر! متأسفانه مواد تعاونی نساجی در کیفیت‌های بسیار متفاوتی تولید و عرضه می‌شود. برای مثال ۲۰-۳۰ نوع صابون در کیفیت و قیمت‌های مختلف در اختیار صنعتگران نساجی قرار می‌گیرد. پیدا کردن نیاز کارخانه و تولید کالای استاندارد و قابل دفاع در این حوزه دشوار است لذا به این نتیجه رسیدیم حوزه مواد شیمیایی تحت تأثیر مسائل غیرواقعی تجارت قرار دارد لذا فعالیت در این بخش را به صورت کم‌رنگ و محدود پیش می‌بریم.

مضاف بر این که دیانسیج به واسطه اخذ نمایندگی از یک شرکت معتبر چینی و ۱۳ سال سابقه فعالیت در بازار رنگ توانسته جایگاه خود را پیدا کند، حسن شهرت و اعتبار آن نزد تولیدکنندگان نساجی اثبات شده و جزو چند شرکت اصلی واردکننده رنگ نساجی به شمار می‌آییم. اتفاقاً برعکس نکته‌ای که اشاره کردید، شاید سودآوری رنگ، نسبت به مواد شیمیایی

بسیاری از کارشناسان معتقدند در صورت احیای برجام، نباید شاهد معجزه اقتصادی باشیم... نظر شما چیست؟ فکر می‌کنید در صنعت نساجی چه تبعاتی خواهد داشت؟

زمانی برجام یا هر نوع توافقی (مستقل از نامش) مفید و کارآمد خواهد بود که اثرات بلندمدت یا میان مدت داشته باشد. قطعاً در صورت تحقق برجام بخش عمده‌ای از منابع مالی ایران از حالت بلوکه خارج خواهد شد ولی آیا این منابع در اختیار صنعت، تولید و اقتصاد قرار می‌گیرد؟ آیا صنعتگر یا بازرگان ایرانی می‌تواند ارتباطات مستقیم با منابع اصلی تولید تکنولوژی در دنیا برقرار نماید؟ اگر پاسخ مثبت باشد، آنگاه برجام در میان مدت و بلندمدت بر روند توسعه صنعت اثرگذار خواهد بود در غیراین صورت فکر می‌کنم ماهیت قرارداد برجام، مسائل مالی دولت (و نه بخش خصوصی) را رفع می‌کند...

اجازه دهید مصاحبه را به سمت مسائل سازمانی و دقیق‌تر سوق دهیم. بخش عمده فعالیت‌های دیبا نسج به رنگ‌های نساجی اختصاص دارد یا مواد شیمیایی؟

حدود ۹۰-۸۰ درصد فعالیت‌های ما در حوزه رنگ‌های دیسپرس، ری‌اکتیو، کاتیونیک و ... است و متأسفانه هیچ‌یک از این محصولات به معنای واقعی

سال با تغییر و تحول خاصی در قوانین و مقررات روبرو نبودیم و تأمین ارز علی‌رغم محدودیت‌های همیشگی در حال انجام است، هرچند که در این زمینه با معضل قیمت مواجه شده ایم.

اکثر شرکت‌هایی که به صورت قانونی و شفاف به فعالیت ادامه می‌دهند و تمام مناسبات تجاری و اقتصادی آنها در سامانه جامع تجارت ثبت شده، در دو ماه گذشته پرش حدود ۲۸۰۰-۲۷۰۰ تومانی دلار را تجربه کرده اند، به عبارت بهتر دلار از ۲۳۹۰۰ تومان به حدود ۲۶۷۰۰ تومان رسید و بار دیگر به مرز ۲۴۸۰۰ بازگشت. این فراز و نشیب برای فعالان اقتصادی مانند سم مهملکی است زیرا مشتریان در مورد خرید مواد اولیه دو ماه آینده خود با ما مذاکره می‌کنند و ما به‌عنوان فروشنده ملزم به ارائه پیشنهاد قیمت هستیم ولی در فضایی که چشم‌انداز روشن و قابل اطمینانی نسبت به نرخ دلار وجود ندارد؛ عملاً کاری از پیش نمی‌رود.

به نظر من بزرگ‌ترین مشکل فعالان اقتصادی، نرخ دلار نیست بلکه ابهاماتی است که نسبت به حوزه کاری‌شان حتی در بازه کوتاه یک تا دو ماهه دارند. متأسفانه سال ۱۴۰۰ سالی همراه با ابهام و عدم ثبات در حوزه‌های اقتصادی بود که همچنان نیز ادامه دارد.

همان‌طور که به درستی اشاره کردید، اقتصاد و سیاست در کشور ما در هم تنیده است. به‌عنوان فعال صنعتی تا چه میزان به نتیجه مذاکرات وین خوش‌بین هستید؟ آیا نتیجه به وقوع اتفاقات مثبت و موثر در اقتصاد کشور منتهی خواهد شد؟

به نظرم باید مذاکرات وین را از دو منظر مورد بررسی قرار داد. مردم ایران مضرند مذاکرات به رفع تحریم‌های بین‌المللی و کاهش فشارهای اقتصادی منتهی شود اما سوال اینجاست که نیت طرف مقابل برای تداوم مذاکرات و هدف نهایی آنها (گرفتن امتیاز یا اصطلاحاً وقت‌کشی و...) چیست؟ با توجه به پیشینه تاریخی آنان چندان خوش‌بینانه نمی‌توان به موضوع نگرست و بهتر است نگاه محتاطانه داشت. نه بدبین و نه خوش‌بین مطلق!

برای حذف آلاینده‌گی و حفاظت از محیط زیست تحت نظارت و کنترل هستند. برای مثال یکی از شرکت‌های معتبر هندی با الزام دولت، ساختمان مجزایی در کنار سوله‌های تولید رنگ راه‌اندازی کرده تا جریان آب بسیار آلوده و خطرناکی که از چرخه تولید رنگ خارج و وارد زمین‌های کشاورزی می‌شود را چندین مرحله تصفیه و مناسب بهره‌برداری کشاورزان نماید. کارخانه‌های چین هم به خصوص در طی ۱۰-۸ سال اخیر این ملاحظات را رعایت می‌کنند. خوشبختانه بسیاری از کارخانه‌های رنگ‌رزی کشور ما نیز به سمت تصفیه پساب‌های رنگ و حذف آلاینده‌ها از چرخه تولید حرکت کرده‌اند.



نخ پنبه‌ای (ری‌اکتیو) شناخته می‌شود. البته تا پنجاه سال پیش تکنولوژی تولید رنگ نساجی در اختیار چند کشور اروپایی مانند سوئیس و آلمان قرار داشت که با توجه به ملاحظات زیست محیطی و ممنوعیت تولید رنگ در اروپا، شرکت‌های چینی، هندی و کره‌ای، دانش فنی (پتنت) تولید رنگ را از کمپانی‌های اروپایی خریدند.

در چین بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد تولید رنگ در اختیار چند شرکت خاص قرار دارد و صدها واحد تولیدی کوچک و متوسط هم در کنار آنها وجود دارند ولی در هند تعداد کارخانه‌ها بسیار زیاد است اما با ظرفیت پایین کار می‌کنند. اگر نخواهیم ادعا کنیم صد درصد رنگ نساجی دنیا در چین و هند تولید می‌شود اما به زعم بنده بالای ۹۵ درصد فقط در این دو کشور به تولید می‌رسند.

«مدتی است جو حفاظت از محیط زیست، توجه به صنایع سبز، مبارزه با آلاینده‌های صنعتی و... در دنیا متداول شده است. آیا تولیدکنندگان رنگ نساجی در ارائه محصولات خود به این مورد توجه می‌کنند یا صرفاً شعار حمایت از کره زمین را سر می‌دهند و در عمل تولید به روال سابق ادامه دارد؟!»

طی بازدید از چندین کارخانه تولید رنگ نساجی در چین و هند به این نتیجه رسیدم که از سوی دولت‌ها

یک سوم باشد. چون در بخش مواد قیمت پایه پایین‌تر و حاشیه سود بالاتر است ولی در رنگ عرصه رقابت بسیار تنگاتنگ می‌باشد و تمام فعالیت‌های ما به نرخ دلار و قواعد بین‌المللی متصل است که داستان مفصل و خاص خود را دارد.

«وضعیت و شرایط تولید رنگ‌های نساجی در دنیا چگونه است؟»

کل رنگ نساجی دنیا (غیر از موارد بسیار خاص و محدود) در چین و هند تولید می‌شود. این که برخی همکاران از کشورهایی مانند کره جنوبی، ویتنام، تایلند و اندونزی به‌عنوان تولیدکننده رنگ نساجی یاد می‌کنند، چندان صحیح نیست زیرا به قدری حجم تولید در این کشورها اندک (و گاه نزدیک به صفر) است که قابل اندازه‌گیری و درج در آمارهای رسمی نمی‌باشد.

تمرکز تولید در چین بر رنگ‌های دیسپرس، کاتونیک، اسیدی و ری‌اکتیو در چین استوار است در حالی که سازندگان هندی در حوزه تولید رنگ‌های ری‌اکتیو بسیار قدرتمند هستند و جالب است بدانید فرایند تولید این نوع رنگ در مقایسه با رنگ‌های دیسپرس به مراتب آسان‌تر است.

شرکت‌های چینی هم در حوزه تولید مواد اولیه رنگ و هم محصول نهایی رنگ رتبه نخست دنیا را در اختیار دارند و در جایگاه بعدی هند با تولید رنگ‌های مختص

«شاید مقایسه دنیای رنگ و پوشاک کمی دور از ذهن به نظر برسد. ولی طبق شنیده‌ها، واردکننده‌های ایرانی برای کسب سود بیشتر، پوشاک بی کیفیت و ارزان چینی را در مقیاس انبوه وارد می‌کنند در حالی که چین پوشاک باکیفیت و مطلوب هم تولید می‌کند. آیا در واردات رنگ نساجی، نیز این قاعده حکمفرماست؟»

شرکت‌ها یا فعالان اقتصادی که به فعالیت‌های میان مدت یا بلندمدت اعتقاد دارند و به اصطلاح می‌خواهند از خود در بازار ردی بر جا بگذارند؛ به هیچ عنوان تمایلی به واردات کالاهای بنجل، بی کیفیت و کم ارزش ولو ارزان قیمت ندارند. البته بعضی از تجار هم بدون نام و نشان کار می‌کنند، اعتقادی به برند و برندسازی ندارند و دقیقاً همان افرادی هستند که مورد اشاره شما قرار گرفت یعنی کالای بی کیفیت و ارزان وارد کشور می‌کنند و هر اندازه پروژه‌ای برایشان سودآورتر باشد؛ بیشتر به دنبال توسعه آن هستند! اما در بخش رنگ نساجی چنین سیستمی قابل اجرا نیست چون مثلاً برای واردات رنگ دیسپرس با محدودیت‌های جدی مواجهیم. نخست این که از کدام شرکت خرید انجام شود؟ عرضه‌کنندگان این حوزه بسیار محدود هستند. در نمایشگاه رنگ چین با بیشتر از چند شرکت نمی‌توان مذاکره کرد که تحت تحریم‌ها و مشکلات انتقال پول با ایران حاضر به همکاری شوند.

نوسازی و بازسازی خطوط تولید پرداخته‌اند، تعداد نیروهای انسانی آنها بیشتر شده است، اینها شعار نیست چون از نزدیک شاهد زحمات فراوان و تلاش و پشتکار مستمر مدیران بخش خصوصی نساجی هستیم. روزگاری قدمت ماشین‌آلات موجود در کارخانه‌های نساجی به سال ۱۹۹۵ می‌رسید اما امروز ماشین‌آلات به روز شده‌اند و اغلب متعلق به سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ هستند.

۴مطلب نهایی...

در مقطعی از زمان فشارهای کاری بسیار سنگین می‌شود اما وقتی در مسیر قرار می‌گیرید، ناخودآگاه ظرفیت‌های شما نیز افزایش پیدا می‌کند. این مورد در زندگی شخصی نیز جاری است همان‌طور که ما انسان‌های ده سال پیش نیستیم؛ شاید ده سال پیش در صورت مواجهه با مشکلات کوچک، دچار اشفستگی و دستپاچگی می‌شدیم اما امروز به سطحی از توان فکری و تجربی رسیده‌ایم که همان مسأله چندان آزارمان نمی‌دهد و آن را به راحتی پشت سر می‌گذاریم. بسیاری از موضوعات با افزایش تجربه و صبر، قابل تحمل هستند اما اگر هر صنف و صنعتی به معنای واقعی کلمه، برنامه بلندمدت و میان مدت داشته باشید؛ روند رو به جلو فعالیت‌ها محسوس خواهد بود.

تهیه و تنظیم: سید ضیاءالدین امامی رؤف



در حالی که جمعیت آن تقریباً یکسان می‌باشد. پس تولید رنگ نساجی از نظر اقتصادی غیرمنطقی به نظر می‌رسد اما از آن مهم‌تر مسائل تکنولوژیکی و زیست محیطی است. حتی کارخانه‌های چین و هند اذعان دارند اگر طبق استانداردهای زیست محیطی اروپا به تولید رنگ بپردازند، احتمال افزایش قیمت آن تا ۳-۲ دلار (به ازای هر کیلوگرم) وجود دارد به همین دلیل با اتخاذ شیوه‌های بینابین تولید را ادامه می‌دهند.

۴ آیا به سرمایه‌گذار یا کارآفرین جوانی که به

تازگی قصد فعالیت در حوزه واردات رنگ‌های نساجی را دارد؛ توصیه می‌کنید وارد این بخش شود یا خیر؟

بله قطعاً توصیه می‌کنم که اطلاعات و شناخت خود را در این زمینه افزایش دهد. شاید در ظاهر خرید و فروش رنگ و مواد شیمیایی آسان به نظر برسد اما فروش مثلاً صدکیلوگرم صابون بسیار سخت است پس «دوام» و «سودآوری» نکات مهمی هستند که در بدو امر باید مورد توجه مدیران جوان قرار گیرد؛ همچنین نباید به صورت شتابزده و بدون مطالعه به دنبال کسب سودهای مالی باشند.

آسمان در تمام صنایع همین رنگ است! اما صنعت نساجی پر توان و با انگیزه به حیات خود ادامه می‌دهد؛ به طوری که اغلب مشتریان ما نسبت به ۱۰-۵ سال پیش حجم کارخانه‌های خود را سه برابر کرده‌اند، به

نکته دوم این که بخش عمده‌ای از رنگ‌های نساجی دارای استاندارد مشخص و معتبر بین‌المللی هستند و تولید، ثبات، مواد تشکیل‌دهنده و... آنها کاملاً تعریف شده می‌باشد. سوم این که طی چند سال اخیر به دلیل افزایش قیمت نخ و پارچه و دستمزد نیروی انسانی، کارخانه‌ها نمی‌توانند به سمت خرید و مصرف رنگ‌های ارزان و بی کیفیت بروند چون به درستی دریافته‌اند که برای ادامه حیات، تداوم تولید، برندسازی و جذب مشتریان خود باید رنگ با کیفیت و استاندارد تهیه کنند. جالب است بدانید تا چند سال پیش، رفتار خرید شرکت‌های بزرگ، کوچک و متوسط تفاوت‌های بسیاری با هم داشت اما در حال حاضر مطمئن باشید شرکت‌های کوچک هم نگاهی به ارتقای کیفیت محصولات خود دارند لذا واردات رنگ بی کیفیت جایی در صنعت نساجی ایران ندارد زیرا خریداری برای آن نیست.

۴ بیشترین نوع رنگ نساجی که وارد کشور

می‌شود چیست و چرا تولید آن در ایران امکان‌پذیر نیست؟

طبعاً رنگ‌هایی که در حوزه پنبه و پلی استر بیشتر مورد مصرف صنعتگران نساجی هستند یعنی دیسپرس و ری‌اکتیو؛ البته واردات رنگ‌های حوزه کاتیونیک (قابل استفاده در فرش ماشینی) نیز در حجم وسیعی صورت می‌گیرد. امکان تولید رنگ در بخش پلی‌استر در ایران اصلاً وجود ندارد در مورد ری‌اکتیو نیز با ملاحظات قابل اجراست.

۴ «امکان آن اصلاً وجود ندارد» به دلیل مسائل

فنی و تخصصی است یا موارد اقتصادی و مالی؟ با توجه به کارخانه‌های عظیم چینی (و با اغماض هند)، عملاً از نظر اقتصادی تولید رنگ نساجی در ایران صرفه اقتصادی ندارد. واقعیت این است که در کشور ما توان تولید و صادرات به دلایل مختلف از جمله تحریم‌ها و... اندک است و اگر بخواهیم بر بازار داخل متمرکز شویم، نسبت به سایر کشورها پتانسیل چندان بالایی ندارد؛ کما این که طبق آمار غیر رسمی، ظرفیت تولید منسوجات در ترکیه پنج برابر ایران است